



نقبی بر فضای معنوی تبریز در ایام محرم / این شهر عزادار است

اینجا تبریز است؛ دیار محبان امام حسین (ع) و خاندانش؛ خاستگاه تشییع علوی و میراث دار 600 سال علم گردانی و عزاداری برای اهل بیت عصمت و طهارت (س)؛ خیابان های این کهن شهر این روزها حال و هوای دیگری دارد؛ از کودک تا کهنسال شب ها هنگام بر سر خیابان ها به صف می ایستند تا اشک ماتم بر گونه اباعبدالله الحسین و یارانش را به نظاره بنشینند.

اینجا تبریز است؛ دیار محبان امام حسین (ع) و خاندانش؛ خاستگاه تشییع علوی و میراث دار 600 سال علم گردانی و عزاداری برای اهل بیت عصمت و طهارت (س)؛ خیابان های این کهن شهر این روزها حال و هوای دیگری دارد؛ از کودک تا کهنسال شب ها هنگام بر سر خیابان ها به صف می ایستند تا اشک ماتم بر گونه اباعبدالله الحسین و یارانش را به نظاره بنشینند.

باز محرم از راه رسید و کوچه و خیابان های کلان شهر دو میلیون نفری تبریز همچون ساکنانش جامه سیاه بر تن کرده اند؛ گذرگاه ها و معابر جنوب، بافت مرکزی و شمال این شهر طاق هایی مزین به ترمه های سیاه به خود بسته است تا فرا رسیدن ماه شهادت سالار شهیدان و 72 یار باوفایش را بر بلندای 'عینالی' و 'سهند' فریاد بزند. بنرهای سیاه منقش به اشعار مرثیه سرایان نامی آذربایجان و تبریز خویش را در برابر سوز گزنده و تند بادهای سحرگاهی و شامگاهی، بر تن داربست های فلزی محکم کرده اند تا با سوگواران اباعبدالله الحسین (ع) در این ایام عزیز، همدش و همقدم شوند.

بنرهای محکم شده به داربست های فلزی در خیابان ها و معابر تبریز، شباهت تامی به حاضران در دسته های 'شاه حسین، وای حسین' (شاخسی، واخسی) به عنوان نماد فرهنگ بومی عزاداری سالار شهیدان در تبریز دارد که با نظم خاصی بر شانه شاهراه های حیاتی این کهن شهر ایستاده اند و فرا رسیدن ماه ماتم و عزا را به عابران پیاده و سواره تلنگر می زنند. هر چند استفاده از اقلام تبلیغاتی متنوع بر سر گذرها، چهارراه ها و میادین و معابر تبریز پیر در روز هنگام نیز به شکلی کامل، شهروندان را به شرکت در آئین های عزاداری سردار کربلا ترغیب می کند، اما آفتاب که با ناز و کرشمه در پشت ارتفاعات سر به فلک کشیده 'میشو' در غرب فرو می رود و پرده های تاریکی یکی پس از دیگر بر صحنه شهر می افتد، تبریز، شور و حال دیگری می یابد.

با پنجه افکندن عقاب تاریکی، پرده دیگری از سناریوی عزاداری های محرم در این کهن شهر فرو می افتد و فلارمونی دلنشین و غم انگیز نوحه خوانان و مرثیه سرایان در نقاط مختلف شهر به ویژه بافت تاریخی و مرکزی، غوغایی به پا می کند که آن سرش ناپیداست.

انگار تمام شهر بر اساس یک آرایش اجتماعی از قبل تعیین شده و زنگ ساعتی خاص و نامرئی، قیام می کند و شور ناشی از پخش صدای نوحه و مرثیه از بلندگوها در کوچه ها و خیابان ها، به کوشش و جوششی درونی بدل می شود که دیگر در قامت خانه ها نمی گنجد و هر چه انسان است را به فضاهای عمومی می کشاند. تقاطع خیابان های امام خمینی و شهید رضا نژاد که بخشی از بافت تاریخی 'خیابان' است، به مانند مشتبی نمونه خروار، از آغاز غروب آفتاب تا نیمه های شب به میدان گاهی برای سروش عاشورایی تبدیل می شود و در سایه حداقل چهار دسته عزاداری 'شاخسی واخسی' به مانند گردآبی معنوی همه عابران پیاده و سواره را به خود می کشد و قدرت هر گونه حرکت را از آنان سلب می کند.

اینجا 'میدان قطب' و آنجا 'شهید جدیری' است؛ انگار که این محل ها آهن ربایی قوی با میدان مغناطیسی قدرتمند دارند که عاشقان اباعبدالله الحسین (ع) را از هر سوی شهر به سوی خود می کشند؛ یکی به عشق نوحه خوان مشهور شهر به اینجا آمده است؛ آن یکی نظم موجود در صف های عزاداری محل را می پسندد و دیگری می گوید که حال و هوای حاکم بر دسته های عزاداری این محل که به گفته وی ریشه در تلاقی آوای عاشورایی چهار دسته دارد، به گونه ای دیگر است.

عظمت و شکوه دسته های 'شاخسی، واخسی' در شب های نقره فام تبریز به اندازه ای است که به محض ورود به دایره شور حسینی شان، گنگ می شوی؛ مفهوم زمان و مکان را از دست می دهی و سرت سنگین می شود، انگار که وزنه ای به سنگینی کوه ها بر سرت بسته باشند؛ صدای تپش قلبت تندتر می شود و چشمه اشک ات ناخواسته می جوشد و دستت بدون اینکه از تو حرف شنوی داشته باشد، هماهنگ با صدای طبل طبال ها به شکلی موزون بر سینه فرود می آید. وه! چه زیباست لحظه هایی که دسته های عزاداری شور می گیرند و نوحه خوانان این محفل عاشورایی متأثر از شعور حاضران و متغیر از آهنگ حزن انگیز طبل ها، تن صدای خود را مانند امواج خروشان، بالا و پایین می برند تا صحنه هایی بی بدیل از شور آمیخته با شعور عاشورایی خلق شود.

آمیزش نور، نوحه، صدای طبل و جابجایی تعدادی زیادی انسان در فضای پیرامونی دسته های عزاداری تبریز در شب هنگام، جلوه هایی کم مانند می آفریند که حاضران را گریبان چاک در خود می بلعد و حق هق گریه زنان و مردان ایستاده در کنار خیابان ها و میادین را به عرش می رساند.

آری! شب های تبریز در دهه محرم، چنین حال و هوایی دارد؛ انگار فانوس عشق به اباعبدالله و یارانش در جای جای شب های

ظلمانی و کوهستانی این کهن شهر آویزان است و با سورکویش همه را به مشارکتی و لو کوتاه در شب شعر 'سرور آزادگان جهان' فرا می خواند.

42 متری، حکم آباد، آخونی، کوچه باغ، بهار، دوه چی، راسته کوچه، ششگلان، سیلاب قوشخانه، یوسف آباد و دیگر محله های تبریز، همه در غرق ماتم حسین (ع) اند؛ انگار، محرم، فراز قله شوق برای غلتیدن در رودخانه خروشان محبت اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است که مظلومیت و محبوبیت شان در شهادت سالار شهیدان در کربلا به اوج رسیده است.

آری! اینجا تبریز است؛ شهر شهیدان آسمانی؛ کلیددار تشییع و طلایه دار ارادت به سرور و سالار شهیدان.